

## انتخابات الجزایر و پیروزی دوباره بوتفلیقه

انتخابات ریاست‌جمهوری الجزایر در تاریخ ۹ آوریل ۲۰۰۹ (۲۰ فروردین ۸۸) برگزار شد. در این انتخابات عبدالعزیز بوتفلیقه با کسب ۹۰,۲۴٪ از آرا، برای سومین بار پیاپی به قدرت رسید و این درحالی بود که بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی با پیش‌بینی انتخاب مجدد بوتفلیقه به ریاست جمهوری، این انتخابات را تحریم کرده بودند و حتی علی بن فلیس، نخست‌وزیر سابق و رقیب اصلی آقای بوتفلیقه که با ائتلاف ۸ درصد آرا در مقام دوم قرار گرفت، بلافاصله نتیجه انتخابات را مردود دانسته بود. (با وجود تحریم انتخابات از سوی برخی مخالفان، بوتفلیقه در نظرسنجی صورت گرفته نیز توانسته بود ۷۴٪ آرا را کسب کند).

اتحادیه اعراب در الجزایر حضور داشتند که ما گزارش آنها را نیز مد نظر قرار خواهیم داد.

اصلی‌ترین گروه‌های مخالف، انتخابات را به شدت زیر سؤال برده و تحریم کردند. آنها معتقدند نتیجه این انتخابات از پیش تعیین شده بود؛ یعنی در همان نوامبر ۲۰۰۸ که مجلس از طریق لایحه‌ای الحاقی قانون اساسی کشور را تغییر داد و مجوز حضور بوتفلیقه در صورت پیروزی در انتخابات، برای سومین دوره پنج‌ساله ریاست جمهوری و حتی پس از آن را صادر کرد، در حقیقت او را برای تمام طول عمرش، رئیس‌جمهور الجزایر ساخت. آنها بر این باورند که نتیجه این انتخابات پیشتر توسط افراد

انتخابات ریاست‌جمهوری به‌رغم انفجار بمب در یکی از پایگاه‌های رأی‌گیری شرقی الجزایر و زخمی شدن دو سرباز، با حضور بیش از ۱۵۰۰۰۰ نیروی پلیس که امنیت انتخابات را تضمین می‌کردند تقریباً آرام برگزار شد. یزید زرهونی، وزیر کشور در یک کنفرانس خبری اتهام هرگونه تقلب در آرا را رد کرده و از استقبال خوب مردم از این انتخابات خبر داد.

طبق گزارش AFP اریک شوالیر، سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه پس از اعلام نتایج در گفتگوی خبری خود اظهار داشت: طبق گزارش‌هایی که تاکنون به دست ما رسیده این انتخابات مشکلی نداشته اما ناظرانی از اتحادیه کشورهای آفریقایی، سازمان کنفرانس اسلامی و

حاضر در قدرت یعنی حزب حاکم، نیروهای امنیتی و جاسوسی و ارتش مشخص شده بود.

آنها که پیش از انتخابات تنها هدف برگزاری آن را اعلام تعداد رأی‌دهندگان می‌دانستند پس از اعلام نتایج نیز میزان اعلام شده را اغراق‌آمیز خواندند.

پنج نامزد دیگر این انتخابات از شخصیت‌های نسبتاً گمنام الجزایر بودند (در این انتخابات ۶ نفر از جمله ۲ ملی‌گرا، ۲ اسلام‌گرای میانه‌رو، یک زن از چپ‌گرایان سابق و رئیس‌جمهور فعلی شرکت داشتند). نزدیک‌ترین رقبای بوتفلیقه در این انتخابات خانم لوئیزا هانون از حزب کارگران تروتسکیست و موسی توآتی از جبهه ملی الجزایر بودند که به ترتیب ۴/۲۲ و ۲/۳۱ درصد از آرا را به خود اختصاص دادند.

عبدالعزیز بوتفلیقه، رئیس‌جمهور هفتاد و دو ساله الجزایر، با شرکت در مبارزات استقلال طلبانه این کشور در دهه ۱۹۵۰ وارد فعالیت‌های سیاسی شد و پس از استقلال الجزایر در سال ۱۹۶۲، در سمت‌های مختلف دولتی، از جمله وزیر خارجه (دوران بن بلا و بومدین)، خدمت کرده است.

در این انتخابات، شاخه آفریقایی القاعده از مردم الجزایر خواسته بود که در انتخابات ریاست‌جمهوری به رئیس‌جمهور کنونی رأی ندهند. به گزارش هفته‌نامه فرانسوی نوول آبزرواتور، ابو مصعب عبدالودود رئیس شاخه القاعده در شمال آفریقا از مردم الجزایر خواست انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور را به طور کامل تحریم کنند.

تا سال ۲۰۰۶، قانون اساسی الجزایر انتخاب یک فرد به ریاست‌جمهوری را به دو دوره متوالی محدود ساخته بود اما با اصلاح قانون اساسی در این سال، این محدودیت حذف و زمینه انتخاب مجدد آقای بوتفلیقه

هموار شد به ویژه آنکه پس از اجرای طرح وحدت ملی توسط بوتفلیقه برای افرادی مانند عباس مدنی و علی بلحاج دیگر شرایط فعالیت وجود نداشت و به همین دلیل آنها به مرور کنار رفته‌اند و حتی فردی مانند رابح کبیر که به آلمان تبعید شده بود پس از ورود به الجزایر با بوتفلیقه و برنامه‌های او موافقت کرده است.

نهادهای سیاسی حاکم بر الجزایر مایل بودند که بوتفلیقه با رأی بالای مردم به پیروزی دست یابد زیرا شرکت شمار بیشتری از رأی‌دهندگان را نشانه مشروعیت سیاسی رئیس‌جمهور منتخب و نظام حکومتی این کشور می‌دانند. (گفتنی است در سال ۲۰۰۶ در این کشور قانونی به تصویب رسید که منتقدان دولت و مقامات را با تهدید حداکثر ۵ سال حبس مواجه ساخته است).

بوتفلیقه که برای اولین بار در سال ۱۹۹۹ و با حمایت ارتش به ریاست‌جمهوری رسید با تأکید بر اینکه ثبات سیاسی و امنیت داخلی الجزایر نتیجه فعالیت‌های اوست، با شعارهای مختلفی از جمله اختصاص ۱۵۰ میلیارد دلار به پروژه‌های توسعه طلبانه و ایجاد سه میلیون فرصت شغلی، در مبارزه انتخاباتی شرکت کرد. مبارزه‌ای که در آن بسیاری از شخصیت‌های برجسته حاکم، حامی وی بودند و پیروزی او را مسلم می‌دانستند.

منتقدان بوتفلیقه معتقدند وی از تهدید خشونت مجدد از سوی شورشیان اسلام‌گرا استفاده کرد تا دیگر مشکلات عمیق کشور از جمله فقر، نرخ بالای بیکاری و فساد اقتصادی را پنهان نگه دارد. با این حال لازم به ذکر است که شورشیان اسلام‌گرا که در کوه‌ها و دره‌های شرق الجزایر مستقر هستند و گفته می‌شود اکنون به گروه‌های القاعده در کشور مغرب پیوسته‌اند در سال جاری ۲۰ مورد حمله و شورش داشته و بسیاری از نیروهای امنیتی کشور را کشته‌اند.

الجزایر کشوری است آفریقایی که دوران نقاہت خود را پس از جنگ‌های داخلی دهه ۱۹۹۰ سپری می‌کند. این جنگ‌ها که جان ۱۵۰۰۰۰ نفر از مردم این کشور را گرفت زمانی آغاز شد که ارتش این کشور در رأی‌گیری پارلمانی سال ۱۹۹۱ دخالت کرد تا بتواند از پیروزی اسلام‌گرایان جلوگیری کند.

در الجزایر نیز به‌رغم شرایط بسیار سخت اقتصادی، مانند بسیاری دیگر از کشورهای جهان عرب، تمرکز اصلی تنش‌های سیاسی داخلی بر اختلاف میان حزب حاکم که سعی دارد قدرت خود را حفظ کند و نیروهای اسلام‌گراست. ایستایی و انحطاط سیاسی که با نرخ بالای بیکاری، فساد اقتصادی فراوان و فقر شدید همراه شده شرایط این کشور را اسفبار ساخته است. با این حال کشور الجزایر تحت حاکمیت رئیس‌جمهور بوتفلیقه توانسته به ثبات نسبی دست یابد. به‌رغم خشونت‌های باقی مانده از تاریخ اخیر این کشور که گهگاه شهرهای مهم به جز پایتخت آن را ناآرام می‌سازد، این کشور مانند گذشته منفور دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی نیست. دیپلماسی بین‌المللی بوتفلیقه که سرمایه‌گذاری‌های خارجی در زمینة نفت و گاز را در پی داشته نه تنها باعث رشد نسبی اقتصاد کشور شده بلکه توانسته بار دیگر امید پیشرفت و توسعه را در دل میلیون‌ها الجزایری از جمله اسلام‌گرایان میانه‌رو ایجاد کند.

مخالفان ورود دوباره بوتفلیقه به قدرت معتقدند که نگاهی به سرنوشت رهبران آفریقایی حتی در کشوری مانند آفریقای جنوبی و رئیس‌جمهور سابق آن تابوامبکی کافی است تا بوتفلیقه را به این حقیقت برساند که ترک قدرت در اوج محبوبیت و خدمت به کشور و ماندگار شدن در قلوب مردم بسیار شیرین‌تر از ۵ سال ریاست و بنیان گذاشتن خشتی کج در کشور است، در کنار این دسته از مخالفان، خانواده‌هایی که زخم‌خورده جنگ‌های دهه ۱۹۹۰ هستند نیز با انتقاد به عدم شفافیت سیاست‌های بوتفلیقه و توقف اجرای عدالت خواستار اتخاذ روشی مناسب جهت احقاق حقوق خود هستند و این درحالی است که هواداران بوتفلیقه به جد معتقد بودند که در صورت عدم شرکت بوتفلیقه در این انتخابات، برنامه‌های سیاسی و اقتصادی او که طی سال‌های اخیر امنیت و رشد اقتصادی را به دنبال داشته، متوقف می‌شد. این دسته معتقدند که بوتفلیقه تنها گزینه مناسب و واقع‌گرایانه برای تغییر اوضاع کشور است و منشور صلح وی و مصالحه ملی را زمینه‌ای مناسب جهت رشد و توسعه واقعی در کشور می‌دانند.

سعید آقا علیخانی

مرکز مطالعات آفریقا

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی